

چند چهره ادبیات جنگ را در آستانه هفته دفاع مقدس مرور کرده‌ایم

جنگ در جان و آرزوهای

اصولا کتاب می‌خوانیم تا فرصت خوانش انسان‌ها را پیدا کنیم. هر کتاب يك انسان است که ساکت نشسته گوشه‌ای و این فرصت را به ما داده تا او را بخوانیم. این فرصتی است که به راحتی به دست نمی‌آید، ولی کتاب‌ها بدون جار و جنجال و سرو صدا این موقعیت را برای ما ایجاد کرده‌اند تا انسان‌ها را سر حوصله ورق بزنیم و زوایای روح آنها را بکاوییم. به همین دلیل گاهی شناختن آدم‌ها کار راحتی نیست مگر این که آنها را بی‌واسطه از پنجره آثارشان به تماشا بنشینیم.

در این شماره به جای این که تعدادی کتاب با موضوع دفاع مقدس را معرفی کنیم چند چهره از ادبیات این گونه را معرفی کردیم که خواندن آثار هرکدامشان زمان زیادی را طلب می‌کند و این يك معرفی غیرمستقیم کتاب است.

حسام آبنوس

روزنامه‌نگار

احمد دهقان



نامی که برای اهالی ادبیات، مترادف با ادبیات جنگ است. ادبیاتی که برخی آن را ادبیات دفاع مقدس می‌خوانند و برخی ادبیات جنگ! اما به هر حالی گریزی نیست از این که نام احمد دهقان را به عنوان یکی از برجسته‌ترین نام‌های ادبیات هشت سال جنگ تحمیلی ببریم. او با آثارش معنای تازه‌ای از ادبیات جنگ را به خوانندگان چشانده است. این را کسانی که «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» او را خوانده‌اند، تصدیق می‌کنند. اصلا چه کسی هست که این کتاب را خوانده باشد و مبهور ادبیات و صحنه‌هایی که دهقان در آن روایت کرده، نشده باشد. چه کسی «دشتبان» یا «پرسه در خاک غریبه» او را خوانده باشد و زندگی جاری در لحظات جنگ را ندیده باشد. چه کسی با تصاویری که او از جنوب و غرب در ادبیات روایت کرده، ارتباط برقرار نکرده باشد. آری احمد دهقان را باید مشهورترین چهره ادبیات سال‌های دفاع دانست. دهقانی که با «بچه‌های کارون» روایت چند نوجوان از روزهای جنگ تحمیلی را برای خوانندگان بازسازی نکرده باشد. البته ادبیات است دیگر، هم موافق دارد هم مخالف و گریزی نیست از این که برخی با تصاویر دهقان ارتباط برقرار نکنند، اما یادمان باشد احمد دهقان فرصت بازخوانی خود و انسان‌هایش را با کتاب‌هایش برایمان فراهم کرده و چیز زیادی هم طلب نکرده، بلکه فقط فرصت خوانده شدن خواسته است.

مرتضی سرهنگی



بسیاری به او می‌گویند «آقا مرتضی»! بله آقا مرتضای دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری که دیگر آوازه کانکس مشهور او در حیاط حوزه هنری به گوش همه رسیده و سال‌ها او در پشت صحنه ادبیات دفاع مقدس ایستاده و صحنه‌گردانی می‌کند. او که خود نیز آثاری از روزهای جنگ و اسارت سربازان عراقی را در اردوگاه‌های ایران نوشته و مهم‌تر از آن سال‌ها بی‌سر و صدا در گوشه همان دفتری که اسمش رفت، کارهای مستندنگاری نویسندگان را خوانده و ویرایش کرده و برای انتشار آماده کرده است. از «دا» تا «دختر شینا» کتاب‌هایی هستند که همه از دفتر او بیرون آمده و مخاطب ایرانی بخش‌های زیادی از جنگ را با آنها می‌شناسد. مرتضی سرهنگی را باید خواند، کسی که اگر در مجلسی وارد شوید و او را شناسید متوجه حضورش نمی‌شوید، کسی که اگر مجری مراسم نامش را نبرد، متوجه نمی‌شوید در مجلس حضور دارد و همواره از تربیون و حرف زدن و مصاحبه کردن گریزان بوده‌است. این همان مرتضایی است که رهبر انقلاب درباره‌اش فرمود: «درود بر سرهنگی‌ها!»

محمد رضا بایرامی



محمد رضا بایرامی هم از آن نویسندگانی است که با گذشت بیش از ۳۰ سال از جنگ، ولی هنوز خاکریز را رها نکرده و به عبارتی درگیر جنگ است. او با روایت‌های خود می‌خواهد جنگ را از مهجوریت بیرون بیاورد. داستان نویسی که «پل معلق» و «لم یزرع» او هرکدام دنیاهای متفاوتی را برای خواننده از روزهای جنگ تصویر می‌کند. اگر مخاطب «خط تماس» او بوده باشید، بی‌شک طوری شهید حاج احمد کاظمی را دوست خواهید داشت که تا پیش از آن در باور تان نمی‌گنجیده که با يك کتاب بتوانید شخصیت يك فرمانده را دوست داشته باشید. روایتی که ۲۴ ساعت پایانی زندگی حاج احمد را روایت می‌کند، ولی بایرامی طوری او را روایت کرده که هر خواننده‌ای اعتراف می‌کند تا پیش از این به این شکل شهید کاظمی را ندیده بود. این قدرت قلم محمد رضا بایرامی است که سیاهه آثارش از جنگ و روزهای نبرد بیش از اینهاست و باید اهل خواندن باشیم تا بتوانیم بایرامی را بشناسیم.

مجید قیصری



اگر چهره خندان و بشاش مجید قیصری را دیده باشید، محال است باور کنید که این انسان مهربان بتواند از جنگ بنویسد. هرچند مهربانی و جنگ با هم منافات ندارد ولی از آنجا که جنگ خشن بوده و این خشونت خاص مردان جنگی است، گفتیم محال است باور کنید و گرنه مجید قیصری هم یکی از آن کسانی است که هنوز از جنگ می‌نویسد و حتی در آخرین رمانش «منظورم «گور سفید» است» با وجود این که رمان امروزی نوشته و انسان‌ها در روزگار صلح زندگی می‌کنند، ولی باز هم از جنگ نوشته و حرف زده است. «گوساله سرگردان» قیصری که مجموعه داستان‌هایی از جنگ است را نمی‌توان خواند و باز هم تصویر جدید از جنگ ندید. این ظرفیت جنگ است که تصویر و حرف نگفته داشته باشد.



در این شماره به جای این که تعدادی کتاب با موضوع دفاع مقدس معرفی کنیم چند چهره از ادبیات این گونه را معرفی کردیم که خواندن آثار هرکدامشان زمان زیادی را طلب می‌کند و این يك معرفی غیرمستقیم کتاب است

داوود امیریان



«گردان قاطرچی‌ها» و «مترسک مزرعه آتشین» و ... عناوینی است که دربرخورد اول بعید است به ذهن ادبیات جنگ را متبادر کند ولی باید گفت که اینها اسامی برخی کارهای داوود امیریان است. او بیشتر برای نوجوان‌ها کتاب نوشته ولی در همان‌ها نیز از جنگ حرف زده است. او بیشتر با لحن طنز برای مخاطب نوجوان از جنگ حرف زده و البته طنز است و گفتن حقیقت‌ها! او با شیرینی طنز سعی کرده برخی تلخی‌های جنگ را برای مخاطبش بازگو کند و البته از این رهگذر نقدهایش را نیز نوشته است. جنگ برای امیریان هنوز تمام نشده است.

حمید داوودآبادی



حمید داوودآبادی را همه حداقل يك مرتبه دیده‌اند. او را باید از موتورهای عرصه ادبیات نامید. تعداد آثارش قابل شمارش نبوده و بعید است خودش هم بتواند نام همه را ببرد و در خاطرش باشد. نویسنده‌ای که از نوجوانی در جبهه‌ها بوده و خاطراتش از روزهای نبرد را منتشر می‌کند. روزنامه‌نگاری که اهل تعارف نیست و این خصوصیت را در کتاب‌هایش هم می‌توان دید. «نامزد خوشگل من» یا «تفحص» را اگر از او خوانده باشید حتما تصدیق می‌کنید تجربیاتی تازه را برای خواننده‌اش از جنگ رقم می‌زند. روایت او از شهید نوجوان سعید طوقانی در کتاب «پهلوان سعید» از آن دست آثاری است که نام يك نوجوان شهید را در فضای جامعه مطرح و احیا کرد، اتفاقی که از قلم امثال داوودآبادی انتظار می‌رود و زنده نگهداشتن یاد رزمندگان و وصف دلوری‌های آنها رسالت‌شان است.